

نارسانایی نظام بانکی در به کارگیری عقود اسلامی برای حمایت از تولید

ابوالفضل غفاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۱

چکیده

بانک‌ها با سازمان‌دهی منابع مازاد نقدی مردم و تجهیز و هدایت پس‌اندازها و سپرده‌های آن‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی که با کمبود وجوه نقد مواجه‌اند، نقش مهمی در رشد تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال برعهده دارند. این در حالی است که ساختارهای نهادی ناکارآمد، به‌خصوص در حوزه نظام بانکی به تخصیص تسهیلات به ضرر بخش‌های مولد و به نفع بخش‌های غیرمولد منجر شده است. نظارت بانک مرکزی، اصلاح نهادها و سوق یافتن فعالیت‌ها به سمت تولید، ایجاد شرکت‌های تخصصی ارزیابی، آموزش و فرهنگ‌سازی عقود بانکی و تخصصی شدن بانک‌ها می‌تواند منابع بانکی را به سمت فعالیت‌های تولیدی هدایت کند.

واژگان کلیدی: عقود اسلامی، نظام بانکی، تولید

طبقه‌بندی JEL: G29، E23

۱. دانشجوی دانشگاه مازندران و پژوهشگر پژوهشکده تحقیقاتی تدبیر اقتصاد ghaffari_abolfazl@yahoo.com

مقدمه

بسیاری از اقتصاددانان معتقدند افزایش سرمایه‌گذاری هر چند شرط کافی نیست، اما شرط لازم برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی است. با توجه به کمبود منابع سرمایه‌گذاری در بیشتر کشورهای در حال توسعه، تخصیص بهینه این منابع محدود بین فعالیت‌هایی که حداکثر کارآمدی را داشته باشند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. از سوی دیگر، بانک به عنوان یک بنگاه اقتصادی به دنبال حداکثر کردن سود خود است. بنابراین، دولت به عنوان حداکثر کننده رفاه اجتماعی، درصدد است تا سرمایه‌های جذب شده در بانک‌ها، مؤسسه‌های مالی غیر بانکی، بورس اوراق بهادار و... به‌طور منطقی و کارآمد به سمت فعالیت‌های مولد سوق دهند. با توجه به تغییر و تحولات در نظام بانکی کشور پس از انقلاب اسلامی ایران براساس احکام شرع در سال ۱۳۶۲، قراردادهایی عقود مانند قرض‌الحسنه، مبادله‌ای (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین، جعاله و ضمان)، مشارکتی (مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات) و سرمایه‌گذاری مستقیم جایگزین نظام بانکی رایج شد. نرخ سود در عقود مبادله‌ای ثابت و در نرخ مشارکتی متغیر است که این متغیر بودن نرخ سود، آزادی عمل بیشتری را به بانک‌ها برای افزایش قدرت چانه‌زنی در پرداخت تسهیلات می‌دهند. با توجه به ترکیب عقود مختلف در بانکداری کشور و کاربردهای متفاوت هر یک از عقود در عمل، سعی بر آن است تا در این مقاله به نارسایی‌های عقود بانکی برای تأمین مالی بخش‌های تولیدی در نظام اقتصادی کشور با گذشت بیش از سه دهه بانکداری اسلامی، مورد واکاوی قرار گیرد.

۱- عقود بانکی به تفکیک عقود اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سعی بر آن شد تا قانون بانکداری کشور براساس آموزه‌های اسلام تدوین و عمل شود. براساس این موضوع، انواع قراردادهای بانکی در دو نوع عقود مبادله‌ای و مشارکتی تقسیم شد. در این قسمت، سعی بر آن است تا ابتدا عقود مبادله‌ای و مشارکتی به‌طور اجمالی تعریف و سپس نحوه به‌کارگیری هر یک از عقود در فعالیت‌های اقتصادی مورد واکاوی قرار گیرد. نخست، قرارداد مالی مبادله‌ای است که در آن‌ها، اموال و منفعتی در برابر پول یا مال دیگری مبادله می‌شود. این قراردادها نسبت به قراردادهای دیگر از تنوع بیشتری برخوردار هستند، اما تنها تعداد معینی از این قراردادها مانند فروش اقساطی، فروش سلف، اجاره به شرط تملیک و جعاله، در نظام بانکی قابلیت اجرا دارند. در این روش، بانک‌ها معمولاً از طریق فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک، املاک و کالاهای مورد نیاز و از طریق جعاله، خدمات مورد نیاز و از طریق سلف سرمایه در گردش مورد نیاز (نقدینگی) مشتریان را برآورده می‌کنند. عقود مبادله‌ای از ویژگی‌هایی مانند

مقطعی بودن قراردادهای، نوع رابطه بدهکار و بستانکار، قابلیت برای نرخ‌های ثابت و از قبل تعیین شده و عدم نیاز به نظارت و کنترل برخوردار است که آن را از سایر عقود بانکداری متمایز می‌کند. دوم، قراردادهای مالی مشارکتی است که در این نوع قرارداد دو طرف قرارداد، در اصل مالکیت و سود و زیان فعالیت اقتصادی با یکدیگر شریک می‌شوند. قراردادهایی مانند مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات در این گروه از قراردادها قرار دارند. نظام بانکداری از قراردادهای مشارکتی مانند مضاربه برای تأمین مالی بنگاه‌های فعال در بخش بازرگانی، از طریق مزارعه و مساقات برای بخش‌های زراعی و باغداری و از طریق مشارکت حقوقی برای شرکت‌های سهامی عام و از طریق مشارکت مدنی برای بنگاه‌های صنعتی، خدماتی، معدن و کشاورزی استفاده می‌کند. عقود مشارکتی از ویژگی‌هایی مانند مستمر بودن قرارداد، مشارکت در سود و زیان، متغیر بودن سود، ادنی بودن قرارداد و نیاز به نظارت و کنترل برخوردار است.

۲- عوامل نارسایی‌های نظام بانکی در حمایت از تولید داخلی

نظام بانکی دارای نارسایی‌هایی است که برخی از آن‌ها به صورت مستقیم ناشی از خود نظام بانکی است و دیگری به دلیل شرایط اقتصادی است که عملکرد نظام بانکی را با چالش مواجه کرده است.

۲-۱- علل ناکارآمدی نظام بانکی در حمایت از تولید (عوامل بانکی)

نظام بانکی کشور پس از ادغام در قالب قانون عملیات بانکی بدون ربا، به مجموعه بسیار بزرگی تبدیل شد که هماهنگ کردن آن‌ها به راحتی میسر نبود، زیرا فعالیت‌های بانکداری روز به روز پیچیده‌تر می‌شد و مدیریت آن‌ها، نیازمند پویایی در نظام مالی کشور بود. قانون یادشده که در واقع، خطوط اساسی بانکداری کشور را تبیین و ترسیم می‌کند، حاصل کوشش دو ساله جمعی از اقتصاددانان و فقهای کشور بود، اما این قانون به نحوی به اجرا درآمد که مشکلات زیادی را در اقتصاد ملی، به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولید به وجود آورد. نظام بانکداری بدون ربا به دلیل مشکلاتی مانند مشکلات اجرایی، ساختاری و حقوقی در عمل نتوانسته است تفاوت‌های خود را با نظام بانکداری ربوی، به خوبی نشان دهد. مشکلات یادشده برآمده از ماهیت و نحوه عمل به عقود مشارکتی و مبادله‌ای است که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

الف- مشکلات اجرایی قانون عملیات بانکی

به دلیل تغییرات صورت گرفته و فقدان مطالعات کارشناسی، مشکلات اجرایی عقود مبادله‌ای و مشارکتی زیاد است. از جمله اشکالات وارد شده به اجرای عقود مبادله‌ای و مشارکتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ✓ زیاد بودن شرایط ضمن عقد.
 - ✓ پیچیده بودن شناخت ماهیت عقود برای سپرده‌گذاران و عوامل بانک.
 - ✓ صوری‌سازی و عدم شفافیت در مناسبات مالی به علت پیچیده بودن ماهیت عقود.
- به‌رغم مشکلات کلی بیان شده برای عقود مبادله‌ای و مشارکتی، هر یک از این عقود نیز مشکلات خاص خود را دارند؛ برای مثال، عقود مشارکتی به دلیل مبتنی بودن بر سود متغیر و امکان چانه‌زنی برسر سود توافقی، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است و این مسأله موجب شده است تا قدرت مدیران در سوق دادن عقود یادشده به سمت عقود با کمترین ریسک (که نزدیک به عقود ربوی است) افزایش یابد. از مشکلات اجرایی عقود مشارکتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ✓ نیازمند بودن به تخصص برای انتخاب صحیح پروژه‌های سرمایه‌گذاری.
 - ✓ نیاز به دادن تضمین از سوی سپرده‌گذاران.
 - ✓ مطابق نبودن سیستم حسابداری با نظام بانکداری کشور.
 - ✓ فشارهای سپرده‌گذاران و سهام‌داران بانک برای دریافت سود بالاتر.
 - ✓ بالا بودن ریسک به دلایلی مانند تورم بالا، موانع قانونی و...
 - ✓ مشکل نظارت (هزینه‌بر بودن، دقیق نبودن شاخص‌های نظارت و...)
 - ✓ یک‌شکل برخورد کردن با دستورالعمل‌های اجرایی.
- به لحاظ رعایت اختصار تنها به توضیح، مشکل تخصص برای انتخاب صحیح پروژه‌های سرمایه‌گذاری بسنده می‌شود. تخصص مهم‌ترین و مؤثرترین عنصر در اجرای صحیح عقود مشارکتی است. اجرای صحیح عقود مشارکتی مستلزم تحلیل و انتخاب صحیح پروژه‌های سرمایه‌گذاری، نظارت و مدیریت مستمر بر روند اجرای پروژه‌ها و در نهایت، محاسبه و تعیین سود واقعی مشارکت است که هر کدام از این مراحل نیازمند دانش و تخصص مرتبط است. از سوی دیگر، سهیم شدن واقعی بانک‌ها در زیان احتمالی حاصل از مشارکت، مستلزم همراهی نزدیک با طرح‌های مشارکتی است. اکنون با توجه به شرایط یادشده، به دلیل عدم برخورداری بانک‌ها از نیروی متخصص، بانک‌ها از سرمایه‌گذاری در تولید خودداری و به سمت تخصیص تسهیلات به امور بازرگانی و خدمات سوق یافته‌اند. البته عقود مبادله‌ای که شامل فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، ضمان، خرید دین، سلف و جعاله است، از این مشکلات مستثنی نیست. برای مثال، در ارایه تسهیلات در قالب عقود مبادله‌ای (فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) به‌ندرت دارایی‌های منقول و غیرمنقول و سایر کالاهای مورد نیاز متقاضی را خریداری و به مشتری به صورت اقساطی یا اجاره به شرط تملیک واگذار می‌کنند یا در دیگر عقود مبادله‌ای مانند سلف و جعاله، در اکثر قریب به اتفاق موارد، وجه

پرداختی در مقابل پیش‌خرید محصول یا ارایه خدماتی نیست؛ برای مثال، در قراردادهای فروش اقساطی، بانک مشتری را موکل خود می‌کند و به همین دلیل مشتری با ارایه فاکتورهایی مبتنی بر خرید کالا، تسهیلات را به صورت وجه نقد از بانک دریافت می‌کند. در این بین، ممکن است مشتری به دلیل صوری‌سازی فاکتورها، تسهیلات را دریافت و به جای آن هیچ کالایی مبادله نشود، یعنی قرارداد برای تولید منعقد، اما در جایی به غیر از تولید، مصرف شود. همچنین در این نوع مبادلات به دلیل عدم نظارت بر خرید کالا و اموال، امکان ربوی شدن معاملات بانکی نیز وجود دارد.

ب- مشکلات ساختاری قانون عملیات بانکی

ساختار پیش‌بینی‌شده در قانون بانکداری بدون ربا ایران براساس شراکت، نیابت، وکالت و امانت است، یعنی ساختاری که اعتماد متقابل طرفین به یکدیگر، شرط اصلی موفقیت چنین سیستمی است و تا زمانی که شرایط لازم برای ایجاد چنین اعتمادی فراهم نشده، این مفاهیم جز الفاظ صوری و خالی از محتوا نمی‌توانند نقش دیگری داشته باشند. از آن‌جا که عقود کلاً عقود شرعی هستند، ساختار لازم برای تحقق آن‌ها به‌گونه‌ای است که تنها شکل و فرم قرارداد مطرح نبوده و محتوا مد نظر است؛ به همین دلیل قوانینی می‌طلبید که مبتنی بر احکام شریعت باشد و بیشتر افراد خود را به رعایت قوانین آن متعهد بدانند. از این‌رو، ساختارهای اشتباه نظام بانکی موجب صوری‌سازی عقود می‌شود و همچنین نبود نظارت از سوی بانک‌ها موجب دریافت تسهیلات از سوی بخش‌ها به نام تولید و به‌کارگیری آن‌ها در بخش‌های دیگر مانند خدمات و بازرگانی باشد که این اقدام در نهایت موجب کاهش تولید می‌شود. در مجموع، این موضوع باعث به وجود آمدن مشکلات چه به لحاظ شرعی و چه به لحاظ اقتصادی می‌شود. علاوه بر این، به نظر می‌رسد ساختار فرضی جامعه برای موفقیت قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌گونه‌ای متصور است که ثبات ارزش پول تضمین شده باشد. در غیر این صورت، در شرایط تورمی و کاهش مستمر ارزش پول و همچنین در شرایطی که پرداخت جبران تورم نیز مجاز باشد، دیدگاهی وجود ندارد.

ج- مشکلات فقهی و حقوقی قانون عملیات بانکی

با توجه به این‌که سعی شده است ساختار نظام بانکی کشور بعد از پیروزی انقلاب برگرفته از احکام شریعت باشد، اما به نظر می‌رسد کماکان مشکلاتی در باب مسائل بانکی وجود دارد که فقها در مورد آن اتفاق نظر ندارند. این عامل باعث سردرگمی در اجرا توسط نظام بانکی و همچنین برای استفاده از تسهیلات بانکی توسط سپرده‌گذاران شده است، زیرا بسیاری از سپرده‌گذاران به سبب مشکلات شرعی میل و رغبتی به استفاده از نظام بانکی ندارند که این موضوع به نوبه خود به کاهش سرمایه‌گذاری منجر می‌شود. عملیات بانکی در کشور علاوه بر دارا بودن مشکل شرعی، دارای

مشکلات حقوقی نیز بوده که استفاده از تسهیلات را برای تولید با مشکل مواجه کرده است. از مشکلات حقوقی و فقهی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ✓ در مسائل مربوط به پول و بانک، در مورد ربا یا جبران کاهش ارزش پول در وضعیت‌های تورمی، اتفاق نظر بین فقها وجود ندارد.
- ✓ ناسازگاری نظریه مشارکت بانک با مشتری (دریافت‌کننده تسهیلات) با نظریه وکالت بانک از مشتری (سپرده‌گذار).
- ✓ پیچیده بودن ضوابط و مقررات مربوط به شناسایی، ماهیت و قوانین مربوط به عقود مشارکتی و اقدام‌های ناکافی برای آموزش کارکنان و اطلاع‌رسانی و آشنا کردن مردم با این قانون.

با توجه به مشکلات اجرایی، ساختاری و حقوقی، قانون عملیات بانکی کشور که در بالا بیان شد، می‌توان مشکلات یادشده را در چهارچوب کلی شامل نبود اعتقاد کافی، نبود ساختار مناسب، فقدان آموزش کافی، نبود فرصت آزمون و تجربه، فقدان ضمانت اجرا، نبود اعتماد و فقدان نظام تکمیل و ترمیم بانکداری سنتی دانست که عدم کارایی در نظام بانکی را موجب شده است.

۲-۲- ساختار نهادی نامناسب اقتصاد ایران (غیر بانکی)

مشکلات نهادی که بر اقتصاد ایران حاکم است، به ناکارایی سیستم اقتصادی منجر و در نهایت، باعث کاهش سرمایه‌گذاری و تولید می‌شود. از این رو، ساختارهای نهادی نامناسب باعث سوق یافتن تسهیلات سرمایه‌گذاری به سود بخش‌های غیرمولد و به ضرر بخش‌های مولد است. با توجه به عقلایی در نظر گرفتن رفتار فعالان اقتصادی، انتظار می‌رود که حرکت به سوی فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های پربازده و کم‌ریسک هدایت شود. با توجه به این که بخش خدمات در سال‌های اخیر دارای بازده بیشتری بوده است، به همین منظور فعالان اقتصادی به سمت بازار سکه و ارز و دلالتی در بازار مسکن تمایل یافته‌اند. رواج دلالتی و واسطه‌گری نتیجه ضمنی ساختار نهادی نامناسب اقتصاد ایران است که فعالان اقتصادی را برای کسب سود بیشتر به سوی بخش خدمات تشویق کرده است. البته چون خود نظام بانکی یکی از ساختارهای نهادی است، به همین دلیل شاید تفکیک آن صحیح به نظر نرسد، اما برای اهمیت موضوع نظام بانکی در تأثیرگذاری به تولید، آن را به تفکیک و به صورت جدا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳- مصادیق نارسایی عملکرد بانک‌ها در تخصیص منابع برای حمایت از تولید

مشکلات و نارسایی‌های نظام بانکی به همراه سایر مشکلات نهادی باعث شده است تا نظام بانکی نتواند به نحو شایسته‌ای از تولید و سرمایه‌گذاری حمایت کند. شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین دلایل ورود فعالان اقتصادی به بخش خدمات، بالا بودن سود با ریسک کم از در این بخش نسبت به بخش‌های دیگر تولیدی است. در ادامه به نحوه تخصیص تسهیلات، نوع تسهیلات و ساختار نهادی حاکم بر چگونگی استفاده از تسهیلات اشاره می‌شود.

۳-۱- عدم تخصیص مناسب تسهیلات بین بخش‌های اقتصادی

جدول شماره ۱، سهم تحقق‌یافته بخش‌های مختلف اقتصادی را از تسهیلات بانکی طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ ارایه می‌دهد. با تشریح نسبت سهم‌های مصوب و تحقق‌یافته، می‌توان اذعان کرد که به دلیل شرایط اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشور، بیشتر سهم‌های عملکرد تسهیلات به بخش بازرگانی و خدمات اختصاص داده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۱، مشاهده می‌شود، سهم عملکرد تسهیلات بخش بازرگانی و خدمات از ۲۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۵۲ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده که حاکی از افزایش بیش از دو برابری تسهیلات در این بخش است. این افزایش سهم در صورتی بوده که مسؤولان پولی با توجه به شرایط اقتصادی موجود، به‌طور میانگین سهم ۱۰/۸ درصدی را برای این بخش به بانک‌ها پیشنهاد داده بودند. آمارها حاکی از آن است که افزایش سهم این بخش با کاهش سهم بخش کشاورزی، صنعت و معدن و ساختمان همراه بوده است. البته این کاهش در بخش ساختمان بیشتر قابل تأمل بوده، زیرا سهم بخش ساختمان در سال ۱۳۹۴ از نصف نیز بیشتر کاهش یافته است.

جدول ۱- سهم تحقق‌یافته بخش‌های مختلف اقتصادی از تسهیلات بانکی طی دوره

۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱

سال	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
کشاورزی	۱۶/۱	۱۵/۵	۱۵/۷	۱۴/۶	۱۴/۵	۱۲/۷	۱۰/۹	۸/۶	۹/۴	۷/۵	۸/۴
صنعت و معدن	۳۳/۵	۳۱/۶	۲۸/۵	۲۷	۲۶/۱	۲۵/۵	۲۲/۸	۳۱/۹	۲۹/۹	۳۱/۲	۲۹/۲
مسکن و ساختمان	۲۳/۵	۲۳/۴	۲۳/۴	۲۱/۵	۲۲/۴	۲۷/۹	۳۰/۲	۱۳/۷	۱۲/۲	۱۱/۸	۱۰/۳
بازرگانی و خدمات	۲۴/۶	۲۷/۴	۳۰/۹	۳۵/۴	۳۵/۴	۳۲/۱	۳۵/۱	۴۵/۸	۴۸/۴	۴۹/۳	۵۲

مأخذ: خلاصه تحولات بانک مرکزی

با توجه به مشاهدات آماری و تشریح مطالب جدول شماره ۱، می‌توان عوامل مختلفی را در بیان علل افزایش سهم دریافتی تسهیلات بخش بازرگانی و خدمات و همچنین کاهش سهم تولید بیان کرد که عبارت‌اند از:

✓ حداکثر کردن سود توسط بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی

با توجه به این‌که بانک‌ها به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی به دنبال حداکثر کردن سود خود هستند، از این‌رو، درصدد هستند تا همواره سرمایه‌گذاری‌های خود را در بخش‌های پربازده و کم‌ریسک انجام دهند.

✓ ساختارهای نهادی نامناسب

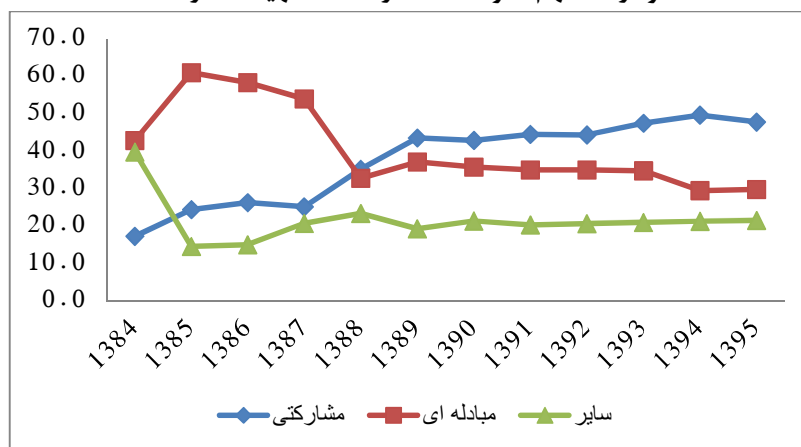
ساختارهای نهادی نامناسب باعث سوق یافتن سرمایه‌گذاری به سود بخش‌های غیرمولد و به ضرر بخش‌های مولد می‌شود. با توجه به عقلایی در نظر گرفتن رفتار فعالان اقتصادی، انتظار می‌رود که حرکت به سوی فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های پربازده و کم‌ریسک هدایت شود. با توجه به این‌که بخش خدمات در سال‌های اخیر دارای بازده بیشتری بوده است، به همین منظور فعالان اقتصادی به سمت بازار سکه و ارز و دلالتی در بازار مسکن تمایل یافته‌اند. رواج دلالتی و واسطه‌گری نتیجه ضمنی ساختار نهادی نامناسب اقتصاد ایران بوده که فعالان اقتصادی را برای کسب سود بیشتر به سوی بخش خدمات تشویق کرده است که آمارهای رسمی کشور بر آن صحنه می‌گذارد.

۳-۲- حرکت به سمت عقود مشارکتی و حمایت کمتر از تولید

با توجه به متفاوت بودن ماهیت عقود مبادله‌ای و مشارکتی در تعیین نرخ سود، بانک‌ها در شرایط مختلف برای حداکثر کردن سود خود از عقود مختلف استفاده می‌کنند. از آن‌جا که نرخ عقود مبادله‌ای در سال‌های اخیر پایین بوده و عقود مشارکتی دارای سود متغیر هستند، بانک‌ها در این سال‌ها به عقود مشارکتی گرایش یافته‌اند و با توجه به بازدهی بالای بخش خدمات و بازرگانی عمده تسهیلات خود را به این بخش‌ها اختصاص داده‌اند. بالا بودن قدرت چانه‌زنی با استفاده از عقود مشارکتی به دلیل ماهیت متغیر بودن سود، باعث شده است که بانک‌ها تخصیص تسهیلات را بدون توجه به نیاز واقعی اقتصاد کشور و براساس حداکثر کردن سود خود بانک‌ها تخصیص دهند. آن‌چه در نمودار شماره ۱، بیشتر قابل مشاهده است، افزایش سهم عقود مشارکتی بوده که از سال ۱۳۸۴ دارای رشدی مثبت بوده است. به‌طوری‌که در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۴ سهم آن نزدیک به سه برابر افزایش یافته است. نکته‌ای که باید یادآور شد، این است که افزایش بانک‌های خصوصی طی دهه اخیر برافزایش سهم عقود مشارکتی اثر گذاشته است. در واقع، این بانک‌ها که

حداکثرسازی سود را در اولویت خود قرار می‌دهند، گرایش بیشتری به سمت عقود مشارکتی داشته‌اند.

نمودار ۱- سهم عقود مختلف از مانده تسهیلات (درصد)



مأخذ: داده‌های سری زمانی بانک مرکزی.

۳-۳- افزایش سهم عقود مربوط به بخش‌های خدماتی و بازرگانی (غیرمولد)

میزان تخصیص عقود مشارکتی در زیر بخش‌ها، تغییرات قابل تأملی داشته است. توجه جدی به تغییرات سهم مانده تسهیلات اعطایی در قالب عقود، بی‌مهری بانک‌ها را در تخصیص دهی تسهیلات به بخش تولید بیشتر نمایان می‌کند. برای مثال، مشارکت مدنی از جمله روش‌هایی است که براساس موازین شرع مقدس اسلام، بانک می‌تواند با اشخاص (حقیقی و حقوقی) وارد معامله شود و نیازهای مالی این‌گونه اشخاص را برای امور تولیدی و بازرگانی برطرف کند. همان‌طور که بیان شد، بانک‌ها به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی، تسهیلات خود را به بخش‌های پربازده که در این شرایط بخش‌های غیرمولد هستند، تخصیص می‌دهند. ازاین‌رو، گسترده بودن تعریف باعث شده است که بیشتر تسهیلات در این عقود به سمت بخش‌های غیرمولد سوق یابد. از نگاه آماری سهم عقود مشارکت مدنی به‌عنوان یکی از عقود مشارکتی از ۷/۵ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده که در جدول شماره ۲، نشان داده شده است. بالا بودن این میزان، نشان‌دهنده روند افزایش سهم مشارکت مدنی و قرارگیری در رتبه اول در ارقام تسهیلات پرداختی در بین سایر عقود است.

فروش اقساطی از عقود مبادله‌ای است که مشتریان بانکی به منظور دریافت تسهیلات لازم برای استفاده در امور زیر از آن استفاده می‌کنند.

- مواد اولیه، لوازم یدکی و ابزار کار.
- ماشین‌آلات، تأسیسات و تجهیزات تولیدی.
- فروش اقساطی مسکن.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، این عقد در امور تولیدی و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عقود در فراهم کردن مواد اولیه و واسطه کاربرد داشته که در این سال‌ها با توجه به بازده بالای بخش خدمات، سهم این عقود کاهش یافته است.

۳-۴- صورتی سازی عقود

از دیگر اشکالات نظام بانکی عدم نظارت در استفاده مشتریان از تسهیلات دریافتی برای استفاده در تولید است. مشتریان بانکی با صورتی سازی در عقود، تسهیلات دریافتی خود را برای بخش تولید، در امور دلالی و واسطه‌گری برای دریافت سود بیشتر استفاده می‌کنند. البته یادآوری می‌شود، این بحث را نمی‌توان با آمار نشان داد، مگر اینکه تخلفات آن‌ها شناسایی شده باشد. تحت این شرایط، تمام آمار منتشر شده برای سهم عقود که در امور تولیدی به کار می‌روند، زیر سؤال هستند؛ برای مثال، فروش اقساطی را که سهمی ۲۵/۶ درصدی و مضاربه را که سهمی ۱/۹ درصدی در سال ۱۳۹۲ دارند، نمی‌توان به‌طور یقین به بخش تولید مربوط دانست.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده، باید گفت نظام بانکی یکی از ارکان اصلی کشور برای تأمین مالی تولید است که بی‌توجهی به آن می‌تواند به بی‌ثباتی امنیت اقتصادی در جامعه منجر شود. از آن‌جا که هدف بانک‌ها به‌عنوان بنگاه اقتصادی حداکثر کردن سود است و با در نظر گرفتن مشکلات نهادی حاکم بر اقتصاد کشور که به بازدهی بیشتر بخش خدمات و بازرگانی منجر شده است، به همین دلیل بیشتر تسهیلات پرداختی به سمت خدمات و بازرگانی سوق یافته است. از دیگر مشکلات بانکی، عدم نظارت بانک‌ها بر تسهیلات پرداختی به مشتریان است که به صورتی سازی عقود منجر می‌شود و در نهایت، به ضرر تولید است. با توجه به اهمیت نظام بانکی و الزام‌های آن، توجه به موارد زیر برای حمایت از تولید ضروری به نظر می‌رسد:

✓ نظارت بانک مرکزی: با توجه به صورتی سازی عقود و استفاده از عقود مشارکتی برای حداکثر کردن سود بانک، به بانک مرکزی توصیه می‌شود نظارت‌های خود را بر عملیات بانکی بانک‌ها دقیق‌تر و گسترده‌تر کند.

✓ اصلاح نهادها و سوق یافتن فعالیت‌ها به سمت تولید: با توجه به ساختار نامناسب نهادی کشور که باعث رشد بخش خدمات شده است، توصیه می‌شود با سیاست‌های پولی و مالی مناسب بازده بخش تولید افزایش و با برقراری مالیات برارزش افزوده و...، بازدهی کاذب و واسطه‌گری در بخش خدمات کاهش یابد.

✓ ایجاد شرکت‌های تخصصی ارزیابی: ایجاد شرکت‌های تخصصی شامل متخصصان و تحلیلگران مالی، مشاوران اقتصادی، بانکداران و... به‌عنوان نهادهایی مستقل و تحت نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور اجتناب از مشکلات اجرایی احتمالی و تحمیل هزینه‌های این تشکیلات به بانک‌ها، به نظام بانکی کمک زیادی می‌کند.

✓ تخصصی شدن بانک‌ها: تسهیلات در قالب عقود مشارکتی در هر حوزه تنها توسط بانک تخصصی حوزه مربوط پرداخت شود و بانک‌های تخصصی کشور هر یک عهده‌دار پرداخت تسهیلات مشارکتی در قلمروی تخصصی خود باشند و به سایر انواع قراردادها در حد ضرورت اکتفا کنند.

✓ آموزش و فرهنگ‌سازی عقود بانکی: آموزش کارکنان نظام بانکی، فرهنگ‌سازی و بالا بردن آگاهی آحاد جامعه و تغییر در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی برای سهولت روش‌های کار و ساده‌سازی قراردادها مطابق با استانداردها و نیازمندی‌های روز به بهتر اجرا شدن عملیات بانکی بدون ربا کمک می‌کند.

منابع

۱. آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲. تقوی، م. و ح. محمدی، تأثیر زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، بهار ۱۳۸۸، دوره ۹، شماره ۱ (پیاپی ۳۲)، ص ۱۵-۴۲.
۳. ریاضت، ف. ارزیابی عملکرد بانک‌ها از طرح تا عمل، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۳۸۱، ش ۵.
۴. قلیچ، و نقش صوری‌سازی قراردادهای بانکی در اقتصاد بخش تولید؛ تحلیل وضعیت و ارائه راهکارهای سیاستی، بیست و هشتمین همایش بانکداری اسلامی.
۵. موسایی، م. بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۹.
۶. نظریور و همکاران. شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران؛ بررسی موردی: تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت، پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۱۴، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۳، ص ۶۵-۹۲.